

## ۱۵۸ - منع از تقیّه و کتمان عقیده و امر به ثبت اسامی در دفتر محفل و محافل مرکزی ملی و انجمن شور روحانی

**و خطاب به محفل عشق آباد قوله المطاع:** " امر مهمّ تبلیغ مخابرات رسمیه امریه ترتیب محافل و مجالس تأسیس و اشتراک به مجلّات امریه طبع و انتشار الواح مبارکه و کتب و مقالات امریه امور مشرق الاذکار انشاء و اداره مدارس بهائی و سائر تشکیلات خیریه علمیه امریه در هر نقطه از نقاط کلّ باید در تحت اداره و باطّلاع و صوابدید محفل روحانی باشد و امر هر یک را محفل روحانی محوّل بلجنه مخصوص نماید و اعضای آن لجنه را نفس محفل روحانی در حین تشکیل انتخاب نماید و در ظلّ و اطاعت خود آورد و آنچه را محفل روحانی باکثرت آراء امری از امور خارج از دایره منطقه محدودّه خویش داند و آن امر را مسأله کلی مهمّ امری شمرد که تعلق بامر الله در تمام اقلیم دارد آنوقت به محفل مرکزی احبّای ترکستان مراجعه نماید و محوّل بآن هیأت مرکزی کند و تمام محافل روحانی در ظلّ و مطیع و مسؤول محفل مرکزی آن اقلیمند احبّاء کلّ باید این محافل را چه خصوصی و چه مرکزی تقویت نمایند و افراد کلّ تأیید و تصویب قرار دادهای محفل روحانی خود نمایند و اعتماد بآن نفوس کنند و بتعاون و تعاضد قیام نمایند و در حین انتخاب اعضای محفل روحانی مؤمنین و مؤمنات هر دو از سنّ بیست و یک و ما فوق آن حقّ تصویت یعنی ابدای رأی در انتخابات دارند ولی چون حجاب در شرق مانع است و معمول به نساء عجاله از حقّ عضویت در محفل روحانی ممنوع منتخبند نه منتخب و اما تشکیل محفل مرکزی اقلیم ترکستان باید منتخب منتخبین باشد یعنی احبّاء و اماء الرّحمن از سنّ بیست و یک و ما فوق آن بحسب تعداد و قوهشان در هر نقطه از نقاط امریه عدّه وکلائی از ما بین خود انتخاب نمایند و این وکلا یا در یک نقطه مجتمع شده و یا کتباً نه نفر انتخاب نمایند و امور تبلیغ و مخابرات امریه و ترتیب محافل و مجالس و اشتراک به مجلّات امریه و طبع و انتشار الواح و کتب و مقالات امریه و امر مشرق الاذکار و انشاء و اداره مدارس بهائی و سائر تشکیلات خیریه علمیه امریه که راجع به نقطه مخصوص از نقاط امریه نباشد بلکه راجع بمصالح عمومیه امر الله در آن اقلیم است هر یک را بلجنه مخصوص محوّل نمایند و این لجنه‌ها تماماً در ظلّ محفل مرکزی هستند مسؤول اعضای آن محفلند و مطیع و منقاد آن "

**و قوله المطاع:** " در خصوص انتخاب محافل روحانی ملّی و طریقه آن واضح است که در الواح وصایا اشاره مصرّحی در این باب نگاشته ولی حضرت عبدالهّاء در یکی از الواح اولیه خود که بیکی از دوستان در ایران خطاب فرموده بیانات ذیل مصرّحاً مرقوم است "

در هر زمان که جمیع احبّاء در هر دیار وکلّائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیأتی را انتخاب نمایند بیت العدل اعظم است " این کلمات بما میفهماند که انتخاب دارای سه درجه یا سه رتبه است در الواح وصایا مصرّحاً مرقوم است که بیت العدلهای ثانوی ( محافل روحانی ملّی ) بیت عدل الهی را انتخاب مینمایند همین نکته است که میفهماند اعضای محفل ملّی باید غیر مستقیم از بین یاران هر مملکتی معین شوند و بواسطه همین دستور مکمل بود که در مرقومه خود مؤرخه ۱۲ مارچ ۱۹۲۳ از احبای عزیز الهی در هر مملکتی در خواست شد که نمایندگانی انتخاب نمایند تا آنها بنوبه خود نمایندگانی ملّی را معین نمایند ( بیت عدلها یا محافل روحانی ملّی ) و امتیاز اعظم و وظیفه شان همان انتخاب اعضای بیت عدل الهی است .... بر عهده محفل روحانی ملّی است که اقدام کاملی بنمایند تا محافل محلی بدون استثناء فوراً پس از انتخاب صورت اعضای و عنوان صحیح و کامل منشی خود را برای منشی ملّی ارسال دارند و او بنوبه خود عنوان خویش را بانضمام صورت اعضای محفل ملّی مستقیماً بعنوان من بفرستد و این نیز بسیار مناسب و موافق است در صورتیکه مقتضیات ایجاب نماید محافل ملّی طرق و وسائل جمع آوری صورت اسامی کامل و موثّق مؤمنین رسمی بانضمام عنوان نفوسی که در محلّ ثابت سکنی دارند فراهم آورند پس از ترتیب چنین صورتی دائماً آنرا تحت نظر داشته و هر نوع تغییر و تبدیل را در آن تصحیح کنند و این مخصوصاً برای نفوسی که دارای محلّ ثابتی میباشند ولی در نقاط مختلفه مملکت دور از مجامع ساکنند بسیار مناسب است و همچنین بجهت جمعیت های کوچکی که هنوز به تشکیل محفل ملّی قادر نگشته اند خیلی موافق بنظر میآید

**و قوله المطاع:** " آنچه از حیث اصول راجع به کیفیت انتخاب قلم میثاق تصریح فرموده آن است که باید محافل مرکزی روحانی بهائیان ایران که من بعد به بیوت عدل خصوصی معروف و موصوف خواهند گشت مستقیماً اعضای بیت عدل اعظم الهی را انتخاب نمایند و همچنین منصوص و مصرّح است که این محافل مرکزی در ممالک شرق و غرب باید بانتخاب عمومی در هر مملکتی علیحدّه بنحوی غیر مستقیم منتخب شوند یعنی جمهور ملّت در رتبه اولی وکلّائی خویش را انتخاب نمایند و این هیأت وکلّائی منتخبه که حال در خطّه

ایران بانجمن شوروی روحانی موسوم و موصوف است در رتبهٔ ثانیه هیأت مجللهٔ محفل مرکزی آن اقلیم را مستقیماً بانتخاب عمومی انتخاب نماید حال نظر بوسعت جامعهٔ امر در آن اقلیم جلیل و تعدد محافل روحانیّه و تأسیس قسمتهای امریه احسن و اولی وکلای جمهور ملت را که بعدد مبارک نود و پنج (۹۵) تعیین و تخصیص و تحدید گشته در هر قسمتی جداگانه جمهور مؤمنات و مؤمنین از سن بیست و یک نه محافل روحانی در آن قسمت انتخاب نمایند یعنی عدهٔ معین از وکلاء بالنسبه بتعداد بهائیان آن قسمت مستقیماً از طرف جمهور احبای آن قسمت انتخاب کرده بنحوی که مجموع وکلای تمام قسمتهای امریه بالغ به نود و پنج گردد و از این عدد مبارک تجاوز ننماید و تعیین و تخصیص عدد وکلاء از برای هر قسمتی از قسمتهای امریه راجع به محفل روحانی مقدّس مرکزی آن اقلیم است و چون این هیأت وکلاء از طرف جمهور بهائیان در هر قسمتی انتخاب گردد باید این هیأت مجللهٔ نمایندگان اگر چنانچه اجتماعش در نقطه‌ای از نقاط غیر میسر و مناسب بانتخاب کتبی مباشرت نموده در هر سنه در ایام عید سعید رضوان از بین عموم بهائیان آن کشور مقدّس مجتمعاً نه نفر را بنهایت دقت و خلوص نیت و حکمت و متانت و جدیت انتخاب نمایند این نه نفر اعضای محفل مرکزی آن اقلیم خواهند بود پس معلوم و واضح گشت که بر حسب تعلیمات مقدّسه حضرت عبداله‌بهاء بیوت عدل خصوصی که در وقت حاضر بمحافل مرکزی روحانی معروف و مشهورند منتخب منتخبند حال آنچه از الزم لوازم احتیاجات و تمهیدات ضروریّه محسوب است ایجاد وسائل متقنه به همت و واسطهٔ هیأت نمایندگان و بمعاضدت محافل روحانیّه در هر قسمتی از برای تحقیق و تعیین و ثبت عدد کامل جمهور مؤمنات و مؤمنین در هر قسمتی از قسمتهای امریه زیرا تا عدد مؤمنین و مؤمنات تعیین نگردد و معلوم نشود و احصائیّهٔ مرتّب صحیح کاملی بدست نیاید اجرای انتخابات ملیّهٔ روحانیّه که از لوازم تشکیل و تأسیس محافل مرکزی روحانی است غیر ممکن و چون نتیجه تحقیقات راجع باحصائیّه از تمام قسمتها بواسطهٔ نمایندگان بطهران ارسال گردد از آن مرکز پس از مذاکره و مشاوره با اعضای انجمن شوروی روحانی عدهٔ وکلای هر قسمتی تعیین و اعلان و ابلاغ شود و آنچه از تفرّعات غیر منصوبه است از آن هیأت مجللهٔ بعموم بهائیان آن اقلیم در ضمن متحد المال مخصوص صادر گردد و بعموم مراکز در آن اقلیم ارسال شود

**و قوله المطاع:** "عقیدهٔ ثابت و راسخ من چنین است که برای حفظ منافع امری که اینقدر در نزد ما محبوب و معزز است و جمیع برای آن خدمت میکنیم از وظائف حتمیّهٔ اعضاء محفل ملی است که فرداً و جمعاً

نصائح و پیشنهادهای و عواطف نمایندگان انجمن شور روحانی را بدست آورده در پی تحصیل و تجسس احساسات آنها برآیند و هر یک را بموقع و مورد خود محترم و محفوظ بدارند بایستی از هر گونه کیفیات و احوال نمایش بعنوان اسرار و مخفی نگهداشتن امور بالمره اجتناب ورزند از روح کناره گیری و صدر نشینی حاکمانه احتراز قطعی کنند بایستی غالباً با کمال صراحت و صرامت نقشه‌ها و امیدها و افکار خود را در مقابل چشم منتخبین خود باز کرده و با مسائل و قضایائی که در سال آینده مورد مذاکره و بحث قرار میگیرد آشنا سازند با نهایت متانت و وقار عقاید آنها را بسنجند و با وجدانی منزه و مقدّس افکار و نیات آن نفوس را تحصیل و جستجو کنند قضاوت و آرائشان در حلّ آن امور بدست آرند محفل ملی که انتخاب میگردد در مدّت چند روزی که انجمن شور روحانی رسمی است و پس از تفرّق نمایندگان بایستی طرق و وسائلی اتخاذ کنند که کاملاً کلیّه مسائل و قضایا مفهوم جمع گردد طرق تبادل آراء و وسائل آنرا سهل و آسان سازند علاقه و اطمینان نمایندگان را افزایش بخشند و بأنواع وسائل ممکنه متشبّث گردند تا تفهیم عموم گردد که یگانه مقصد و اراده آنها خدمت و ترقی و سعادت و مسرت عمومی است چه بسا که ضعیفترین فرد جامعه و بیسوادترین و بی تجربه‌ترین نفس در بین آنها فقط بواسطه قوه الهامیه و بوسیله انقطاع و توکل تام بقوای لا ریبیه الهیه بزرگترین و برجسته‌ترین رأیی درباره یکی از پیچیده‌ترین مسائل محفل ملی اظهار مینماید البته بایستی امنای الهی از اینگونه نفوس غفلت نورزد و بجمع پیشنهادهای توجّه تامّ نموده و مخصوصاً از این قبیل آراء نورانیّه که صرف از روی عشق و علاقه و ایمان ظاهر میگردد غافل نشوند ولی بایستی این نکته مفهوم گردد که چون جمعیت انجمن شور روحانی کثیر و ساعات و جلساتش طولانی است لهذا رای نهائی درباره جمیع مسائل امریه در امریکا مربوط به محفل روحانی ملی است و این هیأت باید این حق مشروع را در دست خود داشته نگاهدارند و نیز بر عهده محفل ملی است که مواظبت نموده تفحص کنند تا دریابند که آیا محافل محلی بر وفق اصول الهیه در پیشرفت امر الله میکوشند یا خیر... تشخیص و قبول اعتبار نامه‌های اعضای انجمن شور روحانی با محفل سابق است یعنی محفلی که به تشکیل این انجمن شور روحانی دوره‌اش خاتمه می‌یابد حقّ تشخیص و تصمیم راجع بنفوسی که حقّ رأی دارند نیز با محفل روحانی ملی است چه در موقعی که محفل روحانی جدیداً تشکیل یافته و چه در هنگامی که اختلافی حاصل شود بین چنین محفلی با محفلی که مدتها رسمیت یافته وقتی انجمن شور روحانی جلسات رسمی خود را دارند و نمایندگان محترم از بین جمیع یاران مملکت اعضاء محفل روحانی ملی را برای سال آینده انتخاب نموده‌اند بسیار بجا و لازم است که در مسائل فوری لازم تا حدّ امکان کاملاً در حضور جمع مذاکره شده و پس از مذاکرات کافیّه بالغه سعی نمایند

که اتحاد در تصمیمات بدست آرند این از آمال قلبیهٔ مولای عزیز ما حضرت عبداللها است که یاران در محافل شور محلی و ملی بواسطهٔ صراحت لهجه و داشتن مقاصد عالیه و احراز اتحاد فکر و نیت و کمال عمق در مشاوره اتحاد آراء در جمیع امور حاصل نمایند اگر این در بعضی اوقات غیر عملی بنظر میآید تا چون اکثریت مجری گردد و نفوسی که در اقلیت واقع گشته‌اند ما بقی بنهایت مسرت و صرافت طبع دائماً تسلیم گردند "

**و قوله المطاع:** " و همچنین مذاکره و مشورت تام در تهیهٔ وسائل کامله از برای تشکیل محفل ملی روحانی که اعضای آن نمایندهٔ کافهٔ مراکز امریهٔ ایران است نمایند زیرا آن محفل باید اقلأً ماهی یک مرتبه در نقطهٔ معین جمع گردند ... و همچنین باید قبل از ایام رضوان در هر سنه جمهور بهائیان از مؤمنین و مؤمنات از سن بیست و یک ببالا در هر قسمتی علیحده بانتهاب عددی از وکلاء پردازند و مجموع عدد وکلاء از تمام قسمتهای امریه که بالغ به نود و پنج خواهد بود در ایام رضوان علی العجاله در مرکز مجتمع گردند و این مجمع نمایندگان از بین عموم بهائیان ایران در کمال توجه و انقطاع متوکلأً علی الله خالصأً لوجه نه نفس مقدسی که ممتاز از ما دون و قابل و مستعد این مقام رفیعند مستقیماً انتخاب نمایند و این نفوس زکیهٔ مجلله که منتخب منتخبین جمهور بهائیان ایرانند باید اقلأً ماهی یکدفعه در نقطهٔ موافق و مناسب مجتمع گردند .... باید جمهور مؤمنین و مؤمنات کل من دون استثناء بطیب خاطر و کمال رغبت در انتخابات ملیه مشارکت نمایند و اسماء خویش را من دون تردید بکمال صراحت و اطمینان در سجّل محفل ثبت نمایند کناره نگیرند استعفا نمایند عقیده کتمان نمایند و از تقیه اجتناب بنمایند از پس پردهٔ خفا بیرون آیند و قدم بمیدان خدمت گذارند مضطرب و هراسان نباشند و بجانفشانی قیام نمایند هر امری را فدای این مقصد اصلی کنند و در سبیل این مبدء جلیل و امر قویم از هر منصب و مقامی چشم پوشند و مصالح شخصیّه و ملاحظات نفسیه را فدای مصالح عمومیهٔ امریه فرمایند حکمت و تقیه در گذشته ایام کافل صون و حمایت مظلومان آن سامان بود و یگانه وسیلهٔ حفظ و حراست آئین یزدان ولی در این ایام چون اعدای امر الهی و دشمنان آئین آسمانی برقع ستر و خفا را از وجه حقایق امریه برانداخته‌اند و معتقدات اساسی اهل بهارا کاملاً مکشوف و مشتهر ساخته‌اند و باثبات استقلال شرع حضرت بهاءالله پرداخته‌اند و باین سبب نبأ عظیم را در قطار و اکناف عالم معروف و مشهور نموده و تقیه و کتمان عقیده علّت توهین و تحقیر است و در انظار اهل فراست بيمورد و مضر مخالفین و معاندین این رویه را حمل بر جبن و خوف نمائید و از تأثیرات سستی عقیده شمرند

استحلفکم یا احبّاء الله ببذل الجهد الجہید و القيام علی هذا الامر الاوعلر الخطیر و التمسک بهذا الحبل المتین و السلوک فی هذا المنهج القویم "

**تلگراف از حیفا بتاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۲۷ - ۳ آبان ۱۳۰۶ (ترجمه):** " میلانی طهران در موضوع سجّل احوال از کتمان احتراز نمائید و بمراکز اطلاع دهید شوقی "

**تلگراف از حیفا:** " راجع بقباله ازدواج عموم مؤمنین را در مرکز و ولایات تحذیر نمائید احدی خود را مسلمان مسیحی کلیبی و یا زردشتی معرّفی ننماید مسامحه و مساهله در اینمورد تبری از امر الله است و تبری محدث انقلابی عظیم است و موجب حیرانی شدید زنهار زنهار "

**و قوله الاکید:** " در این ایام یاران باید من دون استثناء در جمیع نقاط ایران استقامت نمایند و بهیچ وجه من الوجوه خود را تابع ادیان سابقه و شرایع منسوخه معرّفی ننمایند و در امور اداری کما فی السّابق از مقرّرات حکومت و اوامر دولت سر موئی منحرف نگردند و تجاوز ننمایند "

**و قوله الصّریح:** " راجع بیاد داشت در موضوع ازدواج بهائی آنچه برئیس الوزراء نگاشته اند صحیح و متین است یارانرا تشویق نمایند از موانع حالیّه و مشاکل وارده مایؤس و مغموم نگردند بلکه استقامت نمایند و از صراط مستقیم منحرف نگردند "

**و قوله المطاع:** " لهجه صراحت و شجاعت و صداقت یاران نتایج عظیمه در جامعه بخشد و علّت اشتہار آئین نازنین در آن سرزمین. هر چند از وظیفه منفصل و از استخدام محروم و بخصارت مادّی مبتلا ولی در حقیقت به کنز عظیم و سود بیکران فائز و مفتخر زیرا بمبادی قیّمه این امر ناظرند و استقلال شرع مبین را مروّج و به حبل صداقت متمسک و متشبّث "

**و قوله المؤکّد:** " استقامت یاران سبب یأس رؤساء و علّت ظهور وعود حتمیّه الهیّه در آن اقلیم است دوره بلیات منتهی گردد و شمس استقلال و سعادت از افق آن ارض طالع شود "

**و راجع بجواب مزدوجین بهائی در محاکمات قضات و مستنطقین قوله الاکید:** " این جواب صحیح و متین ... البتّه استقامت نمائید "

**و قوله المطاع:** " در خصوص محافل ملی باید بدانند که این یکی از مهمترین مسائل هر کشوری است و در اقالیمی که اوضاع مستعدّ افکار حاضر و عدّه یاران نسبتاً زیاد است از قبیل امریکا انگلستان و آلمان فوراً بایستی محافل ملی را تشکیل نمایند "

**و قوله الفصیح:** " مقصود اولیه از تشکیل چنین هیأتی این است که بواسطه مشاوره‌های عمیق شخصی خود محرک و مشوّق اقدامات جمیله دوستان گردند ایجاد روح وحدت و یگانگی و تشریک مساعی در جمیع محافل محلی نمایند و در عین حال دائماً بواسطه مکاتبه و مرابطه با ارض مقصود در تماس کلی باشند تصمیمات قطعی نهائی اخذ نمایند و رویهم رفته جمیع امور مربوطه بامر در هر کشوری منوط و مربوط بآن هیأت و رتق و فتق امور امری مملکتی در حیظه اختیار و قدرت آن جمعیت قرار گرفته "

**و قوله المنتظم:** " علاوه بر اینها مقصد عظیم دیگری نیز بر عهده این محافل قرار گرفته در الواح وصایا به بیت العدل‌های ثانوی تعبیر گشته و بر طبق نصّ صریح آن الواح مبارکه برعهده محفل هر کشوری است که با معیت سائر محافل ملی تمام عالم عدّه اعضای بیت العدل را انتخاب نمایند که بالمآل رجال بیت العدل جمیع امور امری جهان را متحد ساخته قوت میدهند مرتب نموده و راهنمائی میکنند در الواح وصایا بصریح بیان مذکور که محافل ملی بایستی بطریق غیر مستقیمی از بین احبّاء انتخاب گردند یعنی احبّای هر مملکتی عدّه‌ای را انتخاب نمایند تا این هیأت اعضاء محفل روحانی ملی آن مملکت را از بین جمیع یاران آن کشور انتخاب کنند در ممالک امریکا و انگلستان و آلمان عدّه منتخبین ثانی بطریق ذیل میباشند ۹۵ نفر امریکا که شامل جزائر پاسیفیک نیز هست ۹۵ آلمان و ۱۹ انگلستان بنابراین دوستان هر محلی که عدّه احبّاء بالغ رسمی آن از ۹ نفر زیادتر است بایستی منتخبین خود را که عدّه آنها به نسبت مستقیم احبّای هر قسمت است انتخاب نمایند این منتخبین ثانوی یا با مکاتبه و یا با تجمّع هر مرکزی بایستی مانند اعضاء انجمن شور روحانی تصمیماتی در خصوص امور امری آن اقلیم اتخاذ نمایند پس نه نفر را از بین جمیع احبّای آن کشور انتخاب نموده که تشکیل محفل روحانی ملی دهند محافل ملی تا هنگام تأسیس بیت العدل اعظم بایستی هر ساله

انتخاب شوند وظائف بسیار سنگین بر عهده آنهاست چه که بایستی جمیع محافل محلی را در حیطه اختیار و مراقبت خود قرار داده اقدامات یارانرا اداره نمایند و با نهایت قوت در حفظ امر الله کوشیده و امورات مربوطه بامر را در سر تا سر اقلیم خود در تحت مراقبت و دقت دائمی خویش قرار داده تصمیمات کلیه منوط بمسائل امری مملکتی را از قبیل ترجمه و انتشار کتب و الواح مشرق الاذکار امر تبلیغ و اموری از این قبیل که بکلی مجزی از امورات محلی است در تحت سر پرستی و مراقبت خود مقرر دارند تصمیمات قطعیه نهائیه در جمیع امور مربوطه محوله با این است "

**و قوله المطاع:** " اگر کنونشن توأم با انتخاب محفل ملی در روز اول رضوان عملی نمیشود بایستی اقللاً در مدّت ایام رضوان عملی گردد وقت و محلّ کنونشن را باید محفل ملی معین نماید که تجدید انتخاب شود اگر قرار گذاشت که منعقد نشود باید نوعی کند که بمکاتبه صورت گیرد و اگر یکی از نمایندگان نتواند در اجتماع حاضر شود عیبی نیست که رأی خود را کتباً بعنوان منشی ملی ارسال دارد ولی در وهله اول وجود و حضور هر نماینده در انجمن ملی ضرورت دارد تا بتواند بعد از مراجعت وقایع انجمن و تصمیمات و پیشرفت امر را بانتخاب کنندگان و غیرهم برساند "

**و قوله المؤکد:** " محافل ملی هر کدام از این امور مختلفه متنوعه را بلجنه ای محول داشته اعضا آن لجنات از بین جمیع احبای مملکت انتخاب میگردند روابط این لجنات با محفل ملی مانند روابط محافل محلی و ملی است "

**و قوله المطاع:** " در ایام رضوان چون میعاد تجدید انتخابات محافل محلی و مرکزی رسد بدل و جان باین امر خطیر من دون استثناء اقدام کنند در این عمل مبرور بر یکدیگر سبقت جویند و پس از تجدید نتیجه انتخابات یعنی امناء و اعضا منتخبه و عنوان منشی محفل را من دون تأخیر و تعطیل بمحفل مرکزی اقلیم خویش رسانند و محافل مرکزی همّت در جمع اوراق نموده صورتی از آنرا کاملاً در نزد این عبد بأسرع ما ممکن ارسال دارند "



**و قوله المطاع:** " و نیز از اختیارات محفل ملی است که برخی مسائل را محلی و بعضی را ملی تشخیص دهد و یا بالکل امری را منوط و مربوط به تصمیم محفل ملی شمارد تا بشخصه در امری رسیدگی تام نماید و دقت مخصوص در آن مصروف دارد "

**و قوله المطاع:** " در خصوص مسائل و اموری که بایستی بارض مقصود مراجعه و ارسال شود نیز همین هیأت شور نموده تصمیم میگیرد "

**و قوله المطاع:** " برای رفع اختلاف و منهدم ساختن اساس فساد و حفظ و وقایه امر الله از خطرات تفاسیر مختلفه متباینه که بالمآل منجر به از دست دادن قوای اولیه میگردد و بجهت ایجاد اتفاق و سرعت پیشرفت در امور امریه از فرائض اولیه هر فرد بهائی است که در انتخابات این محافل شرکت جسته خود را مطیع صرف تصمیمات داشته احکام آن هیأت را بجا آورده و در اجراء امور امریه با آنها تشریک مساعی نموده با نهایت صمیمیت سعی نمایند ترقی و تعالی امر الله در جمیع نقاط و از جمیع جهات تحریک و تشجیع کنند ....